

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۳ اگست ۲۰۱۷

"تاریخ به نیت افراد کار ندارد نتیجه عمل شان را می بیند"

زمانی که نگاشته رفیق عالم و نستوه "آزاد ل" و رفیق درد دیده و انقلابی "خالقداد پغمانی"، را مرور کردم، به اثر مصروفیت های زیاد خواستم به تأیید صحبت های آنان چند نکته ای را در باره "سید خلیل الله هاشمیان" بعد از مدتی سکوت بیان کنم.

گرچه شرایط وطن و مردم نهایت برهم و درهم بوده و امپریالیزم امریکا در تبنانی با امپریالیزم فدراسیون روسیه، کشور های ارتجاعی اسلامی منطقه، فرمانطقه هم چو ایران، پاکستان، عربستان و ترکیه دست به دست هم داده و انگریز و ارتخ نفاق و شقاق و استخوان شکنی را تحت عناوین سنی و شیعه بین ملیت های ساکن کشور می پاشند و یا مسائل زبانی و منطقه ئی را حاد می سازند تا کشور را در پرتگاه تجزیه بکشاند. در این میان چین امپریالیستی مشغول تاراج معادن آهن، مس، کروم، ذخایر نفت و گاز کشور بوده و امپریالیزم امریکا و طالبان نیز مشغول دزدی و فروش (سنگ سفید) افغانستان که در صنعت طیاره سازی، کشتی سازی، کامپیوتر و... استفاده می شود، مشغول بوده و طالبان سالانه بیشتر از پنجصد میلیون دالر از مدرک فروش آن به دست می آورند. امریکا استخراج معادن (لیتیوم) را به شکل فنی آغاز کرده و میلیارد ها دالر (لیتیوم) کشور فقیر و مستعمره ما را به کشور شان انتقال می دهند.

از مدت دو سال قبل بدینطرف و از فرسنگها راه دور از وطن، وقت زیادم را صرف مبارزه دمکراتیک، روشنائی اذهان و تبلیغ برای شورش سراسری علیه مرتجعین نموده ام تا در چنین شرایطی خونبار، به مثابه یک عنصر نیمچه با سواد و با احساس، دین و وظیفه ملی و انقلابی ام را در قبال مردم و میهن تا اندازه اداء نموده باشم. در خلال این دو سه سال گذشته "هاشمیان" را نیز آرام نگذاشته ام و با مشت های سرخ بر دهان کنیفش حواله کرده ام که توان جواب گفتن را از وی سلب ساخته ام. غرض معلومات خوانندگان عزیز القدر، نوشته های قبلی ام را علیه "هاشمیان" در معرض مطالعه قرار می دهم:

«هاشمیان» یا جاسوس دو سره

<http://www.afgazad.com/Ejtemaay-2014/072515-MWM-Haashemiaan-Yaa-Jaasos-2->

Sara.pdf

" هاشمیان" یا جاسوس دو سره - ۲

<http://www.afgazad.com/Ejtemaay-2014/072815-MWM-Haashemiaan-Jaasoose-2-Sara-2.pdf>

هاشمیان را ببرید و ببندید به طویله!

<http://www.afgazad.com/Ejtemaay-2014/091715-MWM-SKH-Raa-Bebarid.pdf>

"سید خلیل الله هاشمیان" به چهار سؤال پاسخ بده!

<http://www.afgazad.com/Siaasy-2015/111915-MWM-SKH-Ba-4-Soaalam-Paasokh-Bedeh.pdf>

وبلاک وابسته به "آی. اس. آی"، "تول افغانستان" را افشاء و تحریم نمائید!

<http://www.afgazad.com/Siaasy-2015/112115-MWM-Weblaog-WaaBasta-Ba-ISI.pdf>

یاسین در گوش خر خواندن!

<http://www.afgazad.com/Siaasy-2016/021016-MWM-Yaasin-Dar-Goshe-Khar-Khaandan.pdf>

اندک زمانی بود که از "هاشمیان" خبری نبود، فکر می کردم که نزد مرشدش ببرک غدارمل، رفته است و اما دریافتیم که به خواب عمیق زمستانی رفته بود و اینک که از خواب بیدار می شود، یگراست ناله نامه ای می نویسد و کبر سن و مریضی را بهانه آورده و با مظلوم نمائی شیدانه از همه معذرت خواهی کرده و طالب بخشش می شود و چنان نشان می دهد که واقعاً پایش به لب گور رسیده است و آرزو دارد تا از جاده حیوانیت به جاده انسانیت قدم رنجه کند و دل همه را خوش سازد. درحقیقت امر "هاشمیان" هم چو گریبه هفت دمی را ماند که یک دم را زده است و شش دم دیگرش باقی مانده است. حالا این موجود هرزه و فاقد حیثیت می خواهد تا با یک معذرت خواستن تاکتیکی افرادی را به رحم آورده تا وی را ببخشند؛ زهی کودنی!

"هاشمیان" یک ایدیالیست پرچی و مسلمان است. وی فکر می کند که با یک معذرت خواستن گناهان عظیمش بخشیده می شود، "خدایش" از سر تقصیراتش می گذرد، در های "بهشت" به رخس باز می گردد و در روز "رستاخیز"، "خدایش" هم لطفی می کند و وی را به مثابه غلمان نزد ملا عمر آخند، در "بهشت" می رساند تا ملا هم بیشتر از وی راضی گردد و هم هاشمیان "رفع" مشکل نماید.

بعضی از دوستانی که از این شیخ فانی، گله انسان شدن را دارند سخت در اشتباه اند. فرض مثال "سید خلیل الله هاشمیان" از عملکرد های گذشته سراپا ننگینش توبه کرد و معذرت جدی خواست. مگر با توبه کردن و معذرت خواستن باید برای وی برائت داد؟ نخیر!

"سید خلیل الله هاشمیان" هر کاری را که تا به حال انجام داده، آگاهانه بوده است.

اگر کسانی که ناآگاهانه مصدر اشتباهات کوچکی شده اند و زمانی از اشتباهات زندگی شان نادم و پشیمان می شوند و از آن جهت از مردم معذرت می خواهند، باید نظر به اشتباهات شان موردی تجدید تربیت قرار داده شوند و در صورت اصلاح شدن نه تنها بخشیده شوند بل موردی ستایش و حرمت قرار گیرند و اما آنانی را که آگاهانه مرتکب اشتباهات شده و می شوند؛ نباید بخشید.

هموطنان ما و به طوری اخص باشندگان کابل، آذر خیاط، رئیس بانک و..... را به خوبی به یاد دارند و می شناسند و هم چنان می دانند که آنان تا آخرین لحظات زندگی راهی را که انتخاب کرده بودند، برنگشتند. نا گفته نماند که آنان افرادی سیاسی نه، بل شوقی بودند و حتی در بدل آن چیزی که برای فاعلان ارزانی می داشتند، پول می پرداختند. به عکس آنان "هاشمیان" از آن جمله ملوط ها و مخنث هائی بود و است که به سیاست بالاخص مسائل استخباراتی شدیداً علاقه دارد و از نوجوانی و "جوانی" و تا به ایام پیری، در فکر پول و زر و سیم جمع کردن بوده و برای به دست

آوردن آن به هرنوع رذالت و پستی دست زده و در این راه نه تنها شرف و ناموس شخصی اش را فروخته بل فامیلش را در این ورطهٔ بدنامی سقوط داده است.

"سید خلیل الله هاشمیان" عمر ننگینش به تملق و چاپلوسی، محفلبازی و مشروبخواری و عیاشی و تن فروشی سپری شد و از نگاه سیاسی در حلقهٔ وطنفروشان، ناموسفروشان، مفعولان و روسپیان پرچمی، مشق وطنفروشی را آموخت. وی در زمان حاکمیت خونین زنازادگان خلقی، خادی و پرچمی و در همان ایامی که وطن در اشغال روسها بود و مردم کشته می شدند، آواره می گشتند و..... به اروپا، امریکا، آسیا و..... سفرها می کرد و غرق عشرت و لذت بود. گویند که ...، چشمپاره و بی حیاء می باشد. از شما چه پنهان همین صفت خاص در وجود "هاشمیان" به وضاحت دیده می شود. پس از چنین بی شخصیت پست فطرت و سفله چگونه توقع انسانی می توان داشت؟

این که وی جنایات، خیانت ها، وطنفروشی ها، سببیت ها و بی ناموسی های حرامزادگان خلقی، پرچمی و خادی، جهادی و طالبی را نادیده می گیرد و به پاچه های شعله ئی ها و رهبران آنان می چسبد و عفو و جف و غف می زند؛ این برای شعله ئی ها و اعضای جنبش انقلابی ضد روسی، کمال افتخار و مباهات است که از زبان این چنین موجود پرازیتی و ... پر آوازه و بی غیرت پرچمی؛ اهانت می شوند!

از پیشوند اسم "سید خلیل الله هاشمیان" معلوم می شود که وی هرگز از تبار (پشتون) نیست. در این اواخر در پهلوی هویت تباری عربی از داشتن هویت تباری مغلی نیز دم زده و از "خدمات، مدنیت سازی و تاریخ سازی شاهان مغلی در افغانستان و نیم قارهٔ هندوستان" می لافد و فخر می فروشد و در حالی که این جنبندهٔ مضر، بی هویت و فاقد اصالت بوده و با شارلاتانی و شیادی برای خود هویت جعلی و قلابی می سازد تا در اجتماع به نام و نشانی برسد "هاشمیان" به اثر این همه سر و صدا انداختن ها، میمونبازی ها، فلوته بازی ها، عفو و جف زدن ها از طریق تلویزیون های "پیام افغان"، "آریانا" و نوشتن در سیاهنامه اش "جریدهٔ آئینه" که سالها در وصف گلبدین و حزب کثیف اسلامی، قلم فرسایی کرد، باز هم از شناخت عده ای قلیل برخوردار بود و من حیث یک فرد مطرح در جامعه جا باز نتوانست. زمانی که بر چشم کور ملا عمر آخند، بوسه زد و شب را با وی گذرانید، عده ای از مردم از این حرکت چاپلوسانه و ماست مالی اش با خبر شدند و به بی ننگی اش لعنت فرستادند.

"هاشمیان" بنابر دستورات بادران امپریالیستی و ارتجاعی اش خواست تا با بدنام ساختن (شعلهٔ جاوید) و رهبرانش به اوج شهرت و قدرت برسد، خوشبختانه این حرکت بی ناموسانه و بیشرفانه اش مایهٔ بدنامی بیشتر وی شده، نفرت و انزجار مردم را برانگیخت. حالا که آفتاب زندگانی سراپا ننگینش به لب بام رسیده است، هنوز هم در فتنه انگیزی، تفرقه اندازی، جنگ اندازی و..... مشغول است. گاهی ظاهراً از عملکرد های بی ناموسانه اش ندامت می کشد و هم زمانی که نشئه اش می پرد، از فرط خشم، درد ... را از شقیقه کشیده و بالای پاکبازترین و مبارز ترین تهمتتان قرن می تازد تا خارشت های تاریخی اش را مرفوع سازد. مگر با لق لق سگ چند رگه و دیدو دریای زلال مردار می شود؟ هرگز نه!

در این آوانی که کشور به سوی انقیاد و تجزیه در حرکت است و مردم هر روز قربانی می دهند؛ این جاسوسک پیر زالو صفت و خرمست هم چو همتای هالندی اش "غ-سنا" که قصه های عشقی این خلقی کهنه پیخ با داکتر زرغون خلقی، و خدماتش به شیخ آصف محسنی و انجو های امپریالیستی ورد زبانهاست؛ به جای مبارزه و افشای جنایات امپریالیست ها و اسلامبست ها شغاد وار، عناصر انقلابی را با تیر خشم شان نشان گرفته، می زند و اهانت می ورزند و مشغول دوسیه سازی های بی شرفانه می باشند. در پهلوی این روسپیان سیاسی و رئیسبانک قرن ۲۱، عده ای دیگر نیز در "هالند" و "کویت" مدعی "مانوئیست" بودن و انقلاب صادر کردن می باشند و با اسم های مستعار از

طریق سایت ها و جریده های شان و هم چنان از طریق فضای مجازی "فیسبوک"؛ مشغول دستبرد زدن و سرقت افتخارات تاریخی (جریان دمکراسی نوین-شعله جاوید) بوده و تاریخ این جریان حماسه ساز و تاریخساز را مختص به یک گروه کوچک از افغانستان مرکزی دانسته و یا میراث پدری شان تلقی می نمایند. قبلاً از طریق (پورتال) به مصاف شان شتافتیم و مشت های پولادین بر جمجمه های فرسوده شان حواله داشتیم که بعد از آن، تنها با قُد قُد کردن و ناله نمودن اکتفاء و بسنده نموده اند. و اما از طریق "فیسبوک" پای از پاچه کشیده و بالای شهید یاری، تهمت ها می بندند و وی را من حیث پیشوا، بنیانگذار و رهبر اصلی جریان شعله نی تحمیل می دارند. من هم خاموش نمانده و چنین نوشتم:

"فلانی را بنیانگذار می پندارند. عقل سلیم باید ۱۱ شماره (ش-ج) را بخواند

و ببیند که آیا اسم و یک جمله " بنیانگذار " درج آن می باشد؟"

"به بنیانگذار" گفتند که تو را می کشند. گفت: "من را نمی کشند، روسها هم به

ماتریالیزم باورمند اند و ما هم به ماتریالیزم عقیده داریم!"

جریده تابناک (شعله جاوید) مربوط (جریان دمکراسی نوین افغانستان) تا به شماره یازدهم به چاپ رسید. بعد از توقیف جریده خنجر گون (شعله جاوید) در اوائل سال ۱۳۴۷ خورشیدی و سرکوب تظاهرات ماه جوزای همان سال توسط قوای دولتی؛ صدای این جریده انقلابی تا به امروز خاموش ماند. دین و وظیفه انقلابی شعله نی های اصیل است تا متحد شوند و (شعله جاوید) را دو باره احیاء نمایند.

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122013-F-PB-Shoale-Jaawid-No-1.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122113-F-PB-Shoale-Jaawed-2.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122213-F-PB-Shoale-Jaawed-3.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122313-F-PB-Shoale-Jaawed-4.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122413-F-PB-Shoale-Jaawed-5.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122513-F-PB-Shoale-Jaawed-6.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122613-F-PB-Shoale-Jaawed-7.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122713-F-PB-Shoale-Jaawed-8.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122813-F-PB-Shoale-Jaawed-9.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/122913-F-PB-Shoale-Jaawed-10.pdf>

<http://afgazad.com/A-R-M-D/123013-F-PB-Shoale-Jaawed-11.pdf>

به جواب رفیق دلسوز نگاهشتم:

"درود و هزاران درود بر رفیق فرجاد و نستوه، انقلابی تهمن و بی باک، مبارز زندان دیده و شخصیت عالم (نذیر دلسوز)، که همیشه حقایق تاریخ بالاخص حقایق تاریخ مبارزات طبقاتی جوامع طبقاتی را انعکاس می دهد.

واقعیت همین است، فردی که در درجه بندی های مبارزات طبقاتی (بر مبنای

پراتیک و درگستره مبارزه طبقاتی) جایگاه کم بار و کم اهمیت مبارزاتی داشت، امروز قومپرستان از وی بتی تراشیده اند و مزاری وار پرستش نموده و با چشمپارگی خاصی من حیث "رهبر و بنیانگذار" در موجودیت فزیک صد ها شعله نی سابقه دار؛ تحمیل می دارند، زهی خربت و چشم سفیدی! به صراحت گفته می توانیم که شهزاده "بنیانگذار" از طرف "ارگ" در داخل (جریان شعله) شوت شده بود. اگر چنین نمی بود، چطور و چگونه وی و همدستانش این جریان

تراز نو و فراگیر ملی را چند پارچه کردند، جوانان را در خیابانها کشیدند و دشمن به آسانی همه آنان را شناسائی نمود. زمانی که خلق و پرچم بر اریکه قدرت سیاسی می نشیند، تمامی این گل های سرخ باغ و بوستان انقلاب را شناسائی و با بی رحمی چنگیز گونه؛ پرپر می کند. باید "بنیانگذار" و همکارانش به خاطر شهادت صد ها شعله ئی محاکمه شوند. این که بعضی از قومپرستان افغانستان، با عکس و اسم "بنیانگذار"، "فیسبوک" باز کرده و از این طریق مشغول تبلیغات خاینانه اند، شیادان و منافقینی هستند که عقده های چنگیزی دارند. جای خنده در اینجاست که این عنصر پست که در عقب نام مستعار پنهان می باشد، حتی نقل قول های رهبران پرولتاریا را بدون گذاشتن گیمة و یا ذکر نام آنان به اسم خودش پست می کند و چند تا خیله و بیله چپ نمای قومپرست، بدون آن که بدانند؛ (لایک) می کنند.....

باید علیه این خاینان مبارزه کرد و آنان را افشاء ساخت.

قلم سرخ رفیق "دلسوز" آتشینتر و سوزان تر باد .!!"

البته تنها یک پاپی گک به دفاع آمد، لافید و بادی خارج کرد و بس و با پاسخ دندان شکنم مواجه شد. به هر صورت (شعله جاوید) هم چو بیدی نیست که از باد زدن های هاشمیان و و باد زدن ها، لافیدن ها، سرقت و دستبرد تاریخ پر افتخار این جریان تراز نو توسط سنا، ص- دنی، جمعه گک انجونیست، بچه بیریشان پیرم قل و چند تا نواله خور توله سگ دیگر بلرزد، بل هم چو پامیر، سلیمان و بابا مغرور و سر به فلک تا پیروزی انقلاب دمکراتیک تیپ نو، ساختمان سوسیالیزم و رسیدن به جامعه کمونیستی، استوار و مغرورانه ایستاده است